
تبیین هنجارهای تربیت عاطفی دخترانه از منظر فقه تربیتی

شکوفه رضایی^۱

چکیده

تربیت عاطفی یکی از مباحث مهم در عرصه تربیت فرزند است، به همین سبب اهتمام به این موضوع و بررسی اصول و بایدها و نبایدهای تربیتی عاطفی دخترانه از منظر فقه تربیتی می‌تواند به استحکام کانون گرم خانواده کمک شایانی کند و مانع بروز برخی ناهنجاری‌های عاطفی در دوران نوجوانی و بلوغ فرزندان گردد. هدف پژوهش حاضر تبیین بایدها و نبایدهای تربیت عاطفی از منظر فقه تربیتی با تکیه بر آیات و روایات اهل بیت؟ ع؟ است؛ چنان‌که بر اساس روش توصیفی _ تحلیلی به بررسی برخی احکام فقهی در تربیت عاطفی نوجوانان دختر پرداخته و روش‌های تربیت صحیح را بررسی کرده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد تربیت عاطفی دختران و جایگاه آن در فقه تربیتی، از اوایل کودکی و دوره نوجوانی، مهم‌ترین دوره در تربیت فرزندان و شکل‌گیری شخصیت و هویت آن‌ها است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد نقش الگوی والدین در تربیت عاطفی فرزندان بسیار مؤثر است. اصول و شیوه‌های نظری و عملی در تربیت عاطفی عبارت‌اند از: اصل تقرب، اصل توازن و اصل اعتلای عواطف.

کلیدواژه‌ها: تربیت، عاطفه، تربیت عاطفی، فقه تربیتی، هنجارها، دخترانه.

۱. مقدمه

تربیت عاطفی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین انواع تربیت انسان به شمار می‌رود که سلامت روانی شخص را تأمین می‌کند. انسان نفس خویش را دوست دارد و میل دارد که محبوب دیگران نیز باشد؛ بنابراین یکی از نیازهای طبیعی انسان، نیاز به مهر و محبت است. (نویره، ۱۳۹۰، ص ۱۴۰)

این نیاز در انسان نه تنها در نوجوانی بلکه نخست در سن کودک باید برطرف شود، زیرا اگر در دوران کودکی به این نیاز توجه نشود، از نظر تربیتی فرزند در

۱. طلبه مقطع دکتری قرآن و علوم با گرایش روانشناسی جامعه المصطفی العالمیه، shekofa.rezai76@gmail.com

نوجوانی دچار کمبود محبت می‌شود و از طریق‌های مختلف درصدد تأمین این کمبود برمی‌آید.

هدف اصلی در این پژوهش شناخت نیازها و عواطف دختران نوجوان، اصول و شیوه‌های رفتاری با آن‌ها و وظایف والدین در قبال فرزندان به‌خصوص تربیت عاطفی نوجوان دختر است که در ساحت تربیت عاطفی، پرورش عواطف به شکل مناسب و جهت‌دهی درست به آن است. خانواده می‌تواند با تأمین نیازهای عاطفی فرزند، جهت‌دهی مناسبی به عواطف وی داشته باشد و با فراهم‌سازی زمینه برای رشد و ابراز عواطف به شکل مطلوب، نقش مهمی در تحقق این هدف ایفا کند. با توجه به شناخت نیاز نوجوانان دختر و همچنین روش‌های تربیت عاطفی، شناخت وظایف والدین در دوران تربیت به‌خصوص نوجوانی مسئله مهمی است که قابلیت پژوهش دارد. رویکرد این نوشتار توصیفی _ تحلیلی و کتابخانه‌ای است.

۲. پیشینه پژوهش

با بررسی‌های انجام‌شده، کتاب یا مقالات و پایان‌نامه‌ی مدون و مستقلی تحت عنوان تبیین هنجارهای تربیت عاطفی از منظر فقه تربیت یافت نشد. اما کتاب‌ها و مقالات زیادی در زمینه احکام تربیت فرزند، نگاهی دوباره به تربیت و فقه تربیتی از دکتر اعرافی نگارش شده است. همچنین پایان‌نامه‌های تربیت فقهی دختران که محصول دانشگاه شهید اشرفی اصفهان است، به تبیین اولویت‌های تربیت فقهی دختران، وظایف والدین و پیش‌نیازهای تربیت فقهی پرداخته است، اما پژوهش حاضر وظایف و نیازهای عاطفی دختران را بررسی کرده است.

متقی و همکاران در تحقیق خود تحت عنوان «سازماندهی نظام تربیت عاطفی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی» به توضیح مبانی تربیت عاطفی در قرآن و نظام تربیت عاطفی قرآن که شامل اهداف و اصول و روش‌ها است پرداخته‌اند. اما در پژوهش حاضر علاوه بر اصول و روش‌های تربیت عاطفی، وظایف والدین با توجه به این اصول و شناخت نیازهای عاطفی دختران نیز بیان شده است.

پژوهش حاضر به وظایف والدین قبل از تولد، ایام تولد و بعد از تولد پرداخته و یکی از نیازهای اساسی فرزندان را تربیت عاطفی دانسته است، اما به نیازهای عاطفی و همچنین اصول تربیت عاطفی اشاره‌ای نشده است. همچنین کریم‌خانی و زارعان نیز به وظایف والدین در تربیت عاطفی فرزندان از منظر فقهی اشاره کرده‌اند.

۳. مفهوم‌شناسی

۱. ۳. تربیت

«تربیت» در لغت به معنای پروریدن، پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن را گویند. (دکتر محمد معین، فرهنگ فارسی، ص ۱۰۶۳)

۲. ۳. تربیت در اصطلاح

به باور همه دانشمندان، تربیت عبارت است از: آماده‌سازی، تغییر و اصلاح فرد

برای رساندن تدریجی به کمال مطلوب. مقصود از تربیت، معنای عام، یعنی آماده‌سازی و ایجاد زمینه در مرتبه؛ چه از ناحیه دیگری و چه از ناحیه خود، برای تغییرات در جهت کمال مطلوب است. (کریمی، ۱۳۹۷، ص ۴۳)

به عبارت دیگر تربیت، ایجاد تغییرات برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده در هر مکتب است و چون در سنن نوجوانی به لحاظ جسمی و روحی تغییراتی در وجود دختران دیده می‌شود، برای شکوفاسازی این استعدادها و همچنین مشخص کردن جهت تغییر، نیازمند به مرتبه است. (احسانی، ۱۴۰۰، ص ۳)

۳.۳. عاطفه

«عاطفه» در فارسی به معنای مهر و محبت است و در لغت عربی از ریشه عطف و عطفه و عاطفه اسم مؤنث عطف به معنای مهربانی، نرم‌دلی، شفقت است. (عبدالنبی قیم، ۱۳۹۰، ص ۷۰۶)

۳.۴. عاطفه در اصطلاح

استاد اعرافی درباره این واژه می‌نویسد: «عطوفت به دو معنا به کار رفته است: ۱. در لغت و فرهنگ عرب و در روایات به معنای توجه همراه با محبت و دلسوزی استفاده شده است که تا حد زیادی به معنای مهر و محبت‌ورزی نزدیک است؛ ۲. در اصطلاح تربیتی معاصر در معنای مرادف هیجان به کار رفته است». (اعرافی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۴)

۳.۵. تعریف تربیت عاطفی

تربیت عاطفی عبارت است از فراهم‌سازی شرایط مناسب و با استفاده از عوامل و روش‌های مؤثر و برنامه‌ریزی‌شده از سوی عوامل تأثیرگذار بر تربیت، به منظور شکوفاسازی گرایش‌های عاطفی مرتبه و کمک رساندن به رشد عواطف مثبت و کاهش عواطف منفی در یک فرایند مستمر و تدریجی مقصود از عواطف مثبت، گرایش‌ها و احساسات خوب و مثبتی است که فرد در وجود خود می‌یابد و زمینه‌ساز برقراری ارتباط سازگاران و شفقت‌آمیز با دیگران می‌گردد و مطلوب شرع و عقل است. مراد از عواطف منفی، گرایش‌ها و حالتی است که نارضایتی را دنبال دارد و زمینه‌ساز عدم برقراری ارتباط مثبت و احیاناً صدور گفتار و یا رفتار نامطلوب از فرد نسبت به دیگری می‌گردد و از منظر شرع و عقل سلیم، مطلوب تلقی نمی‌گردد. (بحری و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۳۷۳)

به عبارت دیگر، تربیت عاطفی فرایندی است منظم و هدفمند برای زمینه‌سازی رشد و هدایت عواطف و هیجانات متریبان، به‌نحوی که آنان بتوانند با استفاده از این نیروی باطنی و درونی در مسیر درست گام بردارند و به قرب الهی نائل آیند. (احسانی، ۱۴۰۰، ص ۴)

۳.۶. تربیت عاطفی در فقه تربیتی

مقصود از تربیت عاطفی این است که پدر و مادر در قبال رشد عاطفی فرزندشان و توجه به عواطف مسئول‌اند. در این عواطف محورهای متعددی وجود دارد که

محور عمده‌اش توجه والدین به عواطف فرزندان است. فی الجمله مسلم است که یکی از نیازهای بشر، به‌خصوص در دوران کودکی همان نیاز به مهربانی و عواطف تام و... است. در حد مباحث فقهی به همین بسنده می‌کنیم که نیاز بچه‌ها و به‌خصوص فرزندان به عواطف و مهربانی و محبت، نیازی است که هم پایگاه روان‌شناختی معتبری دارد و هم این‌که از نظر تربیتی، واضح و روشن است. (اعرافی، ۱۳۸۸/۱۲/۲۵)

در نتیجه می‌توان گفت: تربیت به معنای پرورش و آموزش اخلاق و آداب به افراد است. دانشمندان تربیت را آماده‌سازی و اصلاح فرد برای رسیدن به کمال مطلوب می‌دانند. تربیت به معنای ایجاد تغییرات در افراد برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده است.

عاطفه به معنای مهر و محبت است و در اصطلاح تربیتی به معنای هیجان و احساسات است. تربیت عاطفی به معنای فراهم‌سازی شرایط مناسب برای شکوفاسازی گرایش‌های عاطفی مثبت و کاهش عواطف منفی در متربی است. تربیت عاطفی در فقه تربیتی به معنای مسئولیت والدین در قبال رشد عاطفی فرزندان و توجه به عواطف آن‌ها است.

۵. نیازهای عاطفی دختران نوجوان

دوران نوجوانی، دوران ظهور نیازهای متنوع روانی _ اجتماعی است؛ نیازهایی که موجب پیچیده‌تر شدن روابط نوجوان با خود و دیگران می‌شود. در میان نیازهای متنوع این دوره نیاز به محبت و توجه جنس مقابل جایگاهی ویژه و منحصر به فرد دارد. این نیاز به‌طور کلی مقارن با بیداری غرایز جنسی و بیداری صفات ثانویه و رشد سریع ابعاد بدنی (۱۴ _ ۱۶ سالگی) آغاز می‌شود و ابتدا به‌صورت کشش‌های عاطفی (به‌خصوص در دختران) و سپس به‌صورت یک نیاز عاطفی _ جنسی در برابر جنس مقابل خودنمایی می‌کند. پدید آمدن تمایل به جنس مقابل تابع قوانین رشد و تکامل بشری است و اساس انگیزه تشکیل خانواده و تکامل و بقای نوع انسان نیز مرهون درک چنین نیازی از جانب انسان‌هاست.

مواجهه صحیح والدین و نوجوانان و جوانان با این نیاز نیرومند در فاصله زمانی بین بلوغ و ازدواج نقش بسزایی در نهادینه کردن بهداشت روانی _ اخلاقی در افراد، خانواده‌ها و نهایتاً جامعه دارد و به عکس بی‌توجهی، سوءتدابیر تربیتی و گاهی نیز موضع‌گیری‌های به اصطلاح روشنفکرانه گروهی از والدین سبب می‌شود که عده‌ای از دختران و پسران در تأمین چنین نیازی به بیراهه بروند و تسلیم هیجانات عاطفی خود شوند. این گروه دختران و پسران با ایجاد ارتباط پنهان و آشکار با یکدیگر به استقبال سرنوشت شومی می‌روند که گاهی حتی سرتاسر فضای زندگی آینده آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لغزش دختران معلول عوامل بی‌شماری است که یکی از مهم‌ترین این عوامل، ناآگاهی بعضی پدران از لطایف و وظایف مربوط به شناخت و تأمین نیازهای عاطفی _ عقلانی دختران است.

نتایج برخی تحقیقات در این زمینه نشان می‌دهد بسیاری از دخترانی که در دام روابط غیراخلاقی گرفتار آمده‌اند، همواره روابط سرد و معیوبی با پدران خود داشته‌اند و نه تنها محبتی از جانب آنان دریافت نکرده‌اند که به اشکال مختلف هدف تحقیر و سرزنش، تنبیه و سخت‌گیری‌های افراطی یا تبعیض و بی‌تفاوتی آن‌ها واقع شده‌اند.

نوجوانان و والدین متعلق به دو نسل جداگانه‌اند با الگوهای متفاوت که این تفاوت الگوها باعث می‌شود گاهی فرزندان و والدین در مقابل هم قرار بگیرند. پدران باید نیازهای متنوع دختران را بشناسند، چون عدم توجه و تأمین آن‌ها از جانب والدین به‌خصوص پدران می‌تواند به‌طور بالقوه احتمال گرایش دختران به ایجاد ارتباط با جنس مقابل را افزایش دهد.

این نیازها عبارت‌اند از:

نیاز به محبت که از مهمترین نیازهای نوجوان است. (قائمی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۱) این نیاز اگر از طرف والدین تأمین شود نوجوان همراه با عزت نفس بار می‌آید و احساس یگانگی و ارزشمند بودن برایش دست می‌دهد. (گلنن، ۱۳۸۷، ص ۱۹) نیاز به محبت نه تنها برای کودکان لازم است، بلکه نوجوانان نیز نیاز به محبت و همدردی دارند و آن اصل مهمی در روابط و داشتن رفتار مناسب برای آن‌ها است و زمینه‌ساز اعتماد آنان است. گاهی کودکان برای جلب محبت و نظر دیگران متوسل می‌شوند و از آن‌ها مدد می‌خواهند جلوه این مددخواهی در تجمل و زینت است که گاهی ممکن است دختران را به راه غلط و اشتباه سوق دهد. (قائمی، ۱۳۷۰، ص ۴۱۴)

بنابراین بر والدین لازم است که نیاز فرزندان را جدی بگیرند و نوجوان را سیراب از عشق و محبت کنند.

نیاز به آرامش و امنیت در خانواده، مدرسه و اجتماع در تمام مراحل عمر به‌خصوص در دوران نوجوانی: امنیت و آرامش بالاترین و بنیادی‌ترین نیاز عاطفی و روانی انسان است که در جنبه‌های مختلف زندگی ضروری است. کودک و نوجوانی که احساس امنیت و آرامش داشته باشد، به راحتی می‌تواند اعتقادات و اندیشه‌های خود را ابراز کند و در نتیجه اگر اشتباه و یا خطایی در اندیشه و اعتقاد او باشد، به یاری پدر و مادر اصلاح شود و اندیشه‌ها و عقاید صحیح او تقویت گردد. (شرفی، ۱۳۳۷، ص ۱۴ - ۱۵)

نیاز به معاشرت و رفاقت با پدری شاداب و آراسته از نظر ویژگی‌های ظاهری: دختر نیازمند پدر است؛ پدری مهربان که رفتارش لایق و درخور احترام باشد و بتواند از او تقلید کند. دختران نیاز به پدری قابل اعتماد، پشتیبان و حامی دارد تا او را مرکز توجه قرار دهد، از او الهام بگیرد، به او مهر و محبت بورزد و به وجود او افتخار کند. (عطاردی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۶)

نیاز به خلوت صمیمانه با والدین برای اعتراف به خطاها: به مدد صحبت کردن با فرزند، والدین می‌توانند از میان صحبت‌ها و کلماتش، شناخت و درک بیشتری به او

پیدا کنند، اعتماد فرزندان را به دست آورند و خود را محرم اسرار او قرار دهند. پدر و مادر باید به فرزند خود قوت قلب دهند تا به عنوان تکیه‌گاه او باشند. (شرفی، ۱۳۳۷، ص ۳۶)

نیاز به احترام و کرامت از سوی والدین و مربیان و نیز افراد جامعه. نیاز به مهربانی و پذیرش از سوی افراد بزرگتر، به‌طوری‌که وجود او را عزیز و گرامی بدانند.

نیاز به اعتدال در عواطف مضر، مثل ترس، خشم، کینه و حسادت. نیاز به رقابت با افراد همسال و همکلاسی‌ها در جهت رشد و پیشرفت درسی. (قائمی ۱۳۹۳، ص ۲۳۲)

نیاز به حمایت‌های بدون قید و شرط عاطفی، مالی و غیره در مواقع لزوم. نیاز به بیان آزادانه افکار و عقاید و احساسات و تجربیات در زمینه‌های مختلف برای اطمینان از صحت آن‌ها.

نیاز به عذرپذیری بزرگوارانه و رازداری والدین و همچنین نیاز به قاطعیت حساب‌شده آن‌ها در مواقع مورد لزوم.

نیاز به توجه در ایامی همچون روز تولد، روز نوجوان، دانش‌آموز و روز دختر و زن.

نیاز به اعتماد و اطمینان والدین در همه زمینه‌ها. نیاز به اندکی اضطراب برای ایجاد تحرک و شور در کار و تلاش روزانه. (قائمی ۱۳۹۳، ص ۲۳۲)

نیاز به تقدیر و تحسین.

نیاز به همدردی و ملاحظت.

نیاز به کنترل و مراقبت.

نیاز به گریه و تأثر.

نیاز به شادابی و نشاط. (عطاردی، ۱۳۸۵، ص ۶۹)

۶. اصول تربیت عاطفی

توجه به این نیاز و محبت‌ورزی به فرزندان به منزله یک اصل در تربیت عاطفی، دارای سه حیث است: محبت بورزید و اعمال محبت کنید و آن را ابراز نمایید. مبانی فقهی این سه مورد نیز باید بررسی شود و نشان داده شود که آیات و روایات تا چه اندازه آن را به‌طور خاص اثبات می‌کنند.

بنابراین یک حیث محبت و ابراز محبت است؛ یعنی عواطف او را با ابراز محبت پاسخ دهد و تأمین کند. بحث این نیست که او چه نیازی به این عواطف داشته باشد و چه تأثیری در او داشته باشد؛ این یک اصل اخلاقی است که افراد جامعه به هم ابراز محبت کنند و همدیگر را اکرام نمایند. این اکرام و محبت و ابراز و امثال اینها به‌طور عام و به‌عنوان یک اصل اخلاقی در روابط اجتماعی مرکز توجه اسلام است. در خصوص فرزندان هم اگر تأثیری نداشته باشد، باید رعایت شود. جهت دوم این است

که بر رشد فرزند تأثیر دارد و نیاز عموم جامعه یا همسر یا فرزندان است. جهت اول یک جهت اخلاقی و اجتماعی است و جهت دوم، تربیتی از حیث تأمین این نیاز است. جهت سوم جهت تربیتی است؛ یعنی روشی است برای این که سایر فعالیت های تربیتی را با آن انجام دهند. بنابراین، جهت اول ذاتی اخلاقی است، جهت دوم ذاتی _ تربیتی است و جهت سوم روشی از ابراز محبت و تأمین نیاز است که با احترام و ابراز محبت به کار می رود.

۱. ۶. سه محور مهم تربیت عاطفی

برای این که کارهای دیگر تربیتی جواب بدهد؛ یک بار می گوئیم فی حد نفسه ارزش دارد و بار دیگر می گوئیم ارزش روشی دارد. لذا یک بار ابراز محبت است و از حیث اخلاقی به آن نگاه می کنیم؛ بار دیگر از حیث تأمین عواطف و رشد فرد به صورت موضوعی و تربیتی است و بار سوم به مثابه اسلوب و منهج تربیتی است؛ مثلاً با ابراز محبت، فرزند را نمازخوان می کنند و معتقد بار می آورند.

تربیت آنجایی است که می خواهید تحولی در او ایجاد کنید. بحث این نیست که رعایت ادب و ابراز محبت کنید که کسی را تغییر دهیم و تأثیری بر او بگذاریم، بلکه در روابط اجتماعی جامعه اسلامی این ادب و احترام باید حاکم باشد. این اخلاق اجتماعی است؛ یعنی آنچه مربوط به خود من است، از من بروز می کند و در زمینه روابط من با دیگران است. حیث اول حیث اخلاقی است؛ حیث دوم تربیتی _ بنیادی است برای این که فرزند شخص باکرامتی بار بیاید.

در جهت سوم از همین روش استفاده می شود تا فرزند از فساد جدا شود. (اعرافی، ۱۳۸۸، <https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/arafi/tarbiat/88/881225>) بنابر سه محور مهم تربیت عاطفی، اصول تربیت عاطفی از نظر روایات و همچنین اهداف کلی تعلیم و تربیت عبارت اند از:

۲. ۶. اصل اول: اصل تقرب

اصل تقرب بر هدف کلی نظام تعلیم و تربیت ناظر است. اصلی ترین، برترین و کلی ترین هدف تعلیم و تربیت «توحید» در معرفت و عمل و سلوک است که از راه های مختلف می توان آن را به دست آورد. راه های طولانی و نزدیک برای رسیدن به این مقصد وجود دارد. برخی از راه ها ارزش و شرافت ذاتی دارد و گاهی می تواند خود یک اصل باشد که از جمله محبت و سلوک حبی در طریق وصل به ذات الهی می تواند راه برای رسیدن به تربیت دینی و عاطفی باشد و تا زمانی که معرفت و شناختی به ذات الهی پیدا نشود، محبت وجود نخواهد داشت. پس اولین و مهم ترین اصل تقرب و معرفت زایی در مورد وحدانیت خداوند متعال است. (متقی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۶۹)

۳. ۶. اصل دوم: ابراز محبت

طبق این اصل، در جریان تربیت عاطفی، میل به محبت دیدن و محبت ورزی از

تمایلات فطری و ذاتی انسان‌هاست که در همه دوره‌های رشد و تحول، انسان بدان نیازمند. خداوند در تربیت انسان محبت را به‌عنوان پیوندی محوری به کار می‌گیرد. امام علی؟ ع؟ در این مورد می‌فرماید: «چون برادرت از تو جدا شود، تو پیوند دوستی را برقرار کن؛ اگر روی برگرداند، تو مهربانی کن...». (دشتی، ۱۳۸۲، نامه ۳۱، ص ۵۱۹)

محبت، نیرویی بسیار کارساز است و مربی باید با مهربانی و محبت رفتار کند. با روش اعتدال در محبت، روش صله رحم و روش پاداش متناسب با عمل، می‌توان این اصل را اجرایی کرد. (فراهانی، رضوان‌خواه، ۱۳۹۷، ص ۴۳ - ۵۶)

۴. ۶. اصل سوم: اصلاح شرایط

این اصل بیان می‌کند که برای تغییر و اصلاح بعضی رفتارها و حالت‌های منفی و نامطلوب و همچنین برای ایجاد رفتارهای مثبت و مطلوب باید شرایط محیطی را تغییر داد و این تغییر نیازمند تغییر زمان و مکان و همچنین اجتماع است. تغییر شرایط اجتماعی می‌تواند مبدأ بسیاری از حالات و رفتارها باشد. (باقری، ۱۳۳۶، ص ۱۳۴)

این اصل با روش پرهیز از مصاحبت با بدان و توصیه به همنشینی با نیکان و تأکید بر این‌که انتخاب هم‌نشین تأثیر فراوانی در تغییر رفتار و حالات دارد می‌تواند انجام شود. (فراهانی، رضوان‌خواه، ۱۳۹۷، ص ۴۳ - ۵۶)

۵. ۶. اصل چهارم: اصل اعتلای عواطف

این اصل ناظر به مدیریت رفتارهای عاطفی در ارتباط با خود و دیگران است. بر این اساس مربی باید رفتارهای بر اساس عقلانیت و منطق باشد، نه احساسات و هیجانات عاطفی. جایگاه بُعد عاطفی در عقلانیت است و سامانه عصبی انسان در پردازش محرک‌ها باید از مجرای منطق و عقل گذر کند. بنابراین این اصل مقدمه است برای اصل حلم و بردباری. مربی زمانی می‌تواند بردبار و حلیم باشد که رفتارهای عاقلانه و منطقی باشد و گفتنی است که حلم از عقل سرچشمه می‌گیرد. (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۷۰)

۶. ۶. اصل پنجم: حلم و بردباری

یکی از اصول اساسی تربیتی این است که در حالت خشم و غضب اگر شخص بتواند حلم و بردباری داشته باشد، آثار رفتاری، گفتاری، روحی، اخلاقی و اجتماعی فراوانی را در پی خواهد داشت. امام علی؟ ع؟ در این زمینه می‌فرماید: «... هیچ عزتی همانند حلم و بردباری نیست...». (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۱۳، ص ۶۵۱) در این اصل می‌توان از روش توصیه به سعه صدر و همچنین کظم غیظ یا کنترل خشم و هیجانات استفاده کرد.

۷. ۶. اصل ششم: خوش‌بینی یا حسن ظن

یکی از صفات مؤمنین حسن ظن است. این صفت آثار و برکات فراوانی از نظر روحی و همچنین جسمی دارد. مطابق این اصل باید کاری کرد که اندیشه و فکر

بدبینی در فرد به وجود نیاید و اگر فکر و اندیشه منفی فردی داشت، باید اصلاح شود، زیرا این نیت اثرات منفی خواهد داشت. برای این اصل دو روش وجود دارد: اقدام به عمل و توصیه به صداقت در گفتار. (فراهانی، رضوان‌خواه، ۱۳۹۷، ص ۴۳ _ ۵۶)

۸. ۶. اصل هفتم: فضل

فضل یکی از مهم‌ترین اصول تربیت عاطفی است. خداوند متعال در مقام تربیت انسان بسیار با فضل رفتار می‌کند؛ پس ما در جایگاه بنده خداوند متعال باید این فضل را الگو قرار دهیم که با روش‌های ذیل انجام می‌شود: توصیه در عفو و گذشت، احسان و نیکوکاری، ترجیح دادن دیگران بر خود.

۹. ۶. اصل هشتم: حسن خلق

طبق این اصل، انسان باید خلق و خوی نیکو داشته باشد تا باعث الفت و انس میان مردم شود. این اصل برای مربی لازم است، زیرا مربی که رفتار نیکو نداشته باشد، نمی‌تواند متربیانش را خوب تربیت کند. با دو روش می‌توان این اصل را پیاده کرد: روش عمل به وعده و همچنین روش برخورد با چهره‌ای گشاده. (فراهانی، رضوان‌خواه، ۱۳۹۷، ص ۴۳ _ ۵۶)

اصول تربیت ارتباط نزدیکی با تربیت عاطفی دارد. تربیت عاطفی به پرورش احساسات، عواطف و روابط بین فردی می‌پردازد که بخش مهمی از رشد شخصیت فرد است. بنابراین اصول تربیتی مانند تقرب، تدریج، محبت و... از جمله اصولی است که نقشی مهم در شکل‌گیری و هدایت تربیت عاطفی نوجوان ایفا می‌کند، زیرا با استفاده از اصل محبت زمینه روابط محبت‌آمیز، فضای عاطفی مثبت در خانواده فراهم می‌شود و این سبب رشد عاطفی سالم در خانواده می‌گردد.

۷. وظایف والدین در تربیت عاطفی

توجه به احساسات و عاطفه دختران و پرورش صحیح آن، اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا تحقیقات نشان داده است علت فرار دختران کمبود محبت و عدم احساس تعلق و وابستگی عاطفی با اعضای خانواده است. همچنین یکی از دلایل دوستی‌های نامشروع دختران و پسران نیز همین موضوع است. (اوجی، ۱۳۹۹، ص ۵۹ _ ۶۰)

لازم است خانواده‌ها در پرتوی محبت و مهربانی احساساتشان را مدیریت کنند. پس لازم به نظر می‌رسد که والدین شناختی درباره وظایفشان داشته باشند؛ چه از نظر روانشناسی و چه از نگاه فقهی.

الف) مدیریت عواطف فرزندان

با توجه به آیه و قایه که دلیل قرآنی محکم است، والدین نباید در جهت تربیت عاطفی فرزندان کوتاهی کنند و باید زمینه‌سازی مناسبی در جهت مدیریت عواطف فرزندان و همچنین آموزش و راهنمایی‌های لازم را در اختیار فرزندان قرار دهند تا آن‌ها بتوانند در کنترل و جهت‌گیری محبت درست عمل کنند و در نوجوانی دچار کمبود عواطف یا افراط در روابط ناسالم نشوند. پس یکی از وظایف وجوبی والدین جهت‌دهی عواطف فرزندان است. (کریم‌خانی و زارعان، ۱۴۰۱، ص ۲۲۵ _ ۲۲۸)

عواطف چرخ‌های زندگی را روغنکاری می‌کنند و مانع ساییده شدن آن می‌شوند و زندگی را از حالت خشکی و جمود درمی‌آورد. در این مسیر والدین باید بکوشند عاطفه را مقید به ضابطه سازند تا نوجوان بتواند مسیر رشد و کمال را طی کند. تذکرات، هشدارهای به‌موقع، پند و نصیحت در مورد لباس و پوشش، مشورت کردن و داورى خواستن در اوج احساس، مفید و کارساز است. در تربیت نوجوان والدین باید بکوشند احساسات نوجوان جریحه‌دار نشود و امر و نهی به‌گونه‌ای نباشد که آن‌ها را به مقاومت و عقده‌گشایی وادارد. (بازقندی، ۱۳۸۳، ص ۶۸)

ب) منع رفتار ضررآمیز والدین

طبق آیه مضاره، نه مادر حق ضرر زدن به کودک را دارد و نه پدر. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْمِ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»؛

و مادران باید فرزندان‌شان را دو سال کامل شیر دهند. [این حکم] برای کسی است که می‌خواهد دوران شیرخوارگی [کودک] را تکمیل کند. تأمین خوراک و پوشاک مادران شیردهنده به‌طور شایسته و متعارف بر عهده پدر فرزند است. هیچ کس جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌شود. نباید مادری به‌خاطر فرزندش زیان ببندد، و نه پدری برای فرزندش دچار ضرر شود [بر پدر است که مخارج مادر و کودک را در حد متعارف پردازد، و بر مادر است که بیش از طاقت مالی شوهر از شوهر طلب خوراک و پوشاک نکند]. و [چنانچه پدر کودک از دنیا برود] هزینه مادر و کودک به اندازه متعارف [از میراث به جا مانده] بر عهده وارث است. و اگر پدر و مادر بر اساس توافق و مشورت‌شان بخواهند کودک را [قبل از دو سال] از شیر بگیرند، گناهی بر آنان نیست. و اگر بخواهید برای فرزندان‌تان دایه بگیرید، گناهی بر شما نیست، در صورتی‌که مزدی را که باید بدهید، به‌طور شایسته و متعارف پردازید. و از خدا پروا کنید و بدانید یقیناً خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست. (بقره، ۲۳۳)

این آیه راهنمایی‌های مهمی برای تنظیم روابط خانوادگی و حقوق و وظایف والدین در قبال فرزندان ارائه می‌دهد و بر اهمیت همکاری، مشورت و رعایت حقوق متقابل تأکید می‌کند. در تربیت عاطفی اگر والدین کوتاهی داشته باشند یا این‌که شرایط رشد کودک را فراهم نکنند، ضرر جسمی و روحی فرزند محقق می‌شود و چنین عملی از نظر فقهی ممنوع می‌باشد و باید والدین آن را ترک کنند.

ج) تأدیب نیکوی فرزند

یکی از حقوق فرزندان بر والدین، آموزش‌های مناسب از یکسو و نیز دقت در نحوه ابراز و کنترل هیجانات خویش در حضور فرزندان است. (کریم‌خانی و زارعان، ۱۴۰۱، ص ۲۲۵ - ۲۲۸)

د) هدایت و رستگاری فرزندان

یکی از وظایف واجب والدین این است که زمینه هدایت و رستگاری فرزندان را فراهم کنند. در قرآن اشاره شده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ»؛ (تحریم/۶) ای مؤمنان! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است، حفظ کنید.

اگر مراقبت‌های عاطفی فرزندان مقدمه‌ای برای هدایت در محدوده واجبات و محرمات باشد، مراقبت‌های عاطفی واجب خواهد بود. (اعرافی، ۱۳۹۳، ص ۷۵، م ۱۰۹)

ح) مهرورزی و ابراز عواطف

اگر محبت و مراقبت‌های عاطفی به کمال اخلاقی فرزندان کمک کند، مستحب است و مطلوبیت تربیت عاطفی را به همراه خواهد داشت. (اعرافی، ۱۳۹۳، ص ۷۶، م ۱۱۳)

و) رفتار متناسب و نیک با فرزندان

با توجه به آثار فراوان تربیت عاطفی، اگر والدین در ابراز محبت و گرم کردن کانون مهر خانواده کوتاهی کنند، مستوجب گناه می‌شود. (اعرافی، ۱۳۹۳، ص ۷۶، م ۱۱۳)

نتیجه

هدف اصلی در بعد تربیت عاطفی پرورش عواطف فرزندان به شکل مناسب و جهت‌دهی صحیح به آن است. خانواده با تأمین نیازهای عاطفی فرزند از یکسو و جهت‌دهی مناسب به عواطف وی از سوی دیگر و فراهم‌سازی زمینه برای رشد و ابراز عواطف به شکل مطلوب از جانب دیگر، می‌تواند نقشی بی‌بدیل در این هدف داشته باشد.

اصول و شیوه‌های تربیتی که از منظر روایات و نظام تعلیم و تربیت در این پژوهش ذکر شده عبارت‌اند از: اصل تقرب، اصل ابراز محبت، اصل اعتلای عواطف، اصل حلم و بردباری، اصل فضل، اصل حسن ظن و... با توجه به این اصول و شیوه‌ها و همچنین شناخت نیازها و عواطف نوجوانان دختر در مرحله بلوغ و نوجوانی، وظایف والدین در قبال فرزندان می‌تواند علاوه بر شناخت و تأمین نیازهای فرزندان به‌ویژه دختران نوجوان، در ابراز محبت، مدیریت و رهبری هیجانات آنان، تربیت نیکو و... تأثیرگذار باشد. برای این‌که نوجوان به فساد اخلاقی کشانده نشوند و از لحاظ عاطفی کمبود نداشته باشد، خانواده‌ها باید به ساحت عاطفی نوجوانان، به‌خصوص دختران، توجه لازم را داشته باشند.

منابع

قرآن کریم

۱۳. احسانی، محمد، (۱۴۰۰) «روش‌های تربیت عاطفی از منظر قرآن کریم»، *فصلنامه یافته‌های مدیریت آموزشی*، دوره ۱، شماره ۱.
۱۴. اعرافی، علی‌رضا، (۱۳۸۷)، *فقه تربیت*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۵. اعرافی، علی‌رضا، (۱۳۹۳)، *احکام تربیت فرزند*، قم، مؤسسه اشراق و عرفان.
۱۶. اوجی، عارفه، (۱۳۹۹)، تربیت فقهی دختران، پایان‌نامه ارشد دانشگاه شهید اشرفی اصفهان.
۱۷. بازقندی، عصمت، (۱۳۸۳)، *نقش و وظایف مادر در دوران نوجوانی از دیدگاه: (علم، قرآن و سنت)*، شهرستان نقاب، مرکز مدیریت مدرسه علمیه خواهران.
۱۸. باقری، خسرو، (۱۳۸۵)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، مدرسه.
۱۹. بحری، نادره، سرمدی، محمدرضا، ایمانی نائینی، محسن، (۱۴۰۰)، «ارائه الگوی سلامت‌محور از تربیت عاطفی فرزندان در منابع و اندیشه‌های اسلامی»، *مجله پژوهشی سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، شماره ۴.
۲۰. سیدرضی، ابوالحسن محمد بن الحسین، (۱۳۸۲)، *نهج‌البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، قم، دفتر تاریخ و مطالعات اسلامی.
۲۱. شرفی، محمدرضا، (۱۳۸۸)، *تا فصل گل شدن، نگاهی به نیازهای روانی و عاطفی فرزندان*، مشهد، انتشارات قدس رضوی.
۲۲. عطاردی، حسن، (۱۳۸۵)، *راهنمایی پدران و مادران در تربیت نوجوانان و جوانان*، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
۲۳. فرهانی، فرمیهنی، محسن و رضوان‌خواه، سلمان، (۱۳۹۷)، «الگوی مفهومی تربیت عاطفی با رویکردی بر نهج‌البلاغه»، *آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث*، شماره ۵.
۲۴. قائمی، علی، (۱۳۹۲)، *نمای نوجوانی*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۲۵. قائمی، علی، (۱۳۷۰)، *نمای نوجوانی دختران*، تهران، انتشارات امیری.
۲۶. قیم، عبدالنبی، (۱۳۹۰)، *فرهنگ معاصر عربی - فارسی*، تهران، فرهنگ معاصر.
۲۷. کریم‌خانی، مهدی، زارعان، محمدجواد، (۱۴۰۱)، «وظایف والدین در تربیت عاطفی فرزندان از منظر فقهی (با تأکید بر هفت سال اول)»، *پژوهشی مطالعات فقه تربیتی*، شماره ۱۷.
۲۸. کریمی، علیجان، (۱۳۹۷)، *درآمدی بر تربیت هیجانی و عاطفی از منظر قرآن کریم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۹. گلنور، ویل، (۱۳۸۷)، *دختران با عزت نفس: راه‌های پرورش، عزت نفس در دختران*، تهران، نسل نواندیش.
۳۰. معین، محمد، (۱۳۸۸)، *فرهنگ فارسی*، جلد اول، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۳۱. متقی، زهره، نجفی، محمد و نصرتی هشی، کمال، (۱۳۹۴)، «سازماندهی نظام تربیت عاطفی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، شماره ۲۹.
۳۲. نویره، الهدار، (۱۳۹۰)، «وظایف والدین در تربیت دینی و عاطفی فرزندان»،

- پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، شماره ۱۰.
۳۳. <https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/arafi/tarbiat/88/881225>، اعرافی، تربیت خانوانگی / تربیت عاطفی، ۱۳۸۸.
۳۴. <http://2khtaraneftab.blogfa.com/post/21>، تربیت عاطفی دختران، ۱۳۸۹.